

آیا «حق»، «گرفتنی» است یا «دادنی» یا «خوردنی»؟

« غالب مردم » خود را « حق » می‌دانند و بر مبنای آموزه‌ای غلط می‌پندارند « حق، گرفتنی است. » لذا فراوانند « شوهرانی » که برای همسر خود یا « زنانی » که برای شوهر خود « حقی » قائل نیستند. و فراوانند « والدینی » که « حق » فرزندان‌شان را قبول ندارند و لذا خود را به آنها « تحمیل » می‌کنند. فراوانند « دولت‌هایی » که برای مردم هیچ « حقی » قائل نیستند لذا هر اعتراضی را « خفه » می‌کنند. و طبق یک « طنز سربازی »، « ارتش چرا ندارد » و همه باید بی‌هیچ اعتراضی فقط « اطاعت » کنند. پس « ریشه » هر نزاع و جنگی در « خانواده، محله، شهر، کشور و جهان » این است که غالب مردم فقط « خود » را « حق » و آن را « گرفتنی » می‌پندارند و « عملاً » به « حق » دیگران « توجهی » ندارند. در حالی که **اولاً:** « حق مطلق » و « تنها اراده مؤثر و نافذ » در جهان، « فقط خداوند » است:

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنْ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ ... (حج/۶۲) (لقمان/۳۰)

(قوانین جهان به خاطر اینست که فقط خدا حق است و هر چیزی را که به غیر او می‌خوانند، پوچ و فانی است ...)

سُرِّبَهُمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ ... (فصلت/۵۳)

(ما معجزاتمان را در بیرون و درونشان به آنها می‌نمایانیم تا برایشان روشن شود که فقط او حق است ...)

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (بقره/۱۴۷) (آل عمران/۶۰)

(حق، فقط از نزد خداوند توست، پس تو از تردیدکنندگان مباش.)

ثانیاً: « همه مخلوقات خدا » حتماً مرتبه‌ای از « حق » را دارند، پس هیچ مخلوقی « بی‌حق » نیست:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ ... وَ مَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ (بقره/۲۶)

(خداوند شرم نمی‌کند از اینکه به پشه و آنچه پشت اوست (؟؟؟) مثال آورد لذا اهل ایمان می‌دانند آن مثال حق است)

و از نزد خدای آنهاست ... و فقط افراد بی‌بند و بار « و حق‌شناس » با آن مثال گمراه می‌شوند.)

ثالثاً: « خدا، گرفتنی، دادنی یا خوردنی نیست » بلکه « حدود حق » هر مخلوقی باید « رعایت » شود.

پس همه مردم « ۲ گروهند »: یا « حق هر چیزی را رعایت می‌کنند » یا « حق پوش و حق ستیز » اند:

ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ ... (محمد/۳)

(مجازات اهل کفر به دلیل پیروی آنها از باطل و پاداش اهل ایمان برای پیروی آنها از حق خدائی هر چیز است ...)

خدایا؛ ما را در « **حق شناسی** » و « **حق طلبی** » و « **رعایت حق** هر فرد و هر چیزی » موفق فرما.

محمد جعفر غفرانی وبگاه «به آسمان نگاه کن»